

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما
Tel:0046720077654

ایسکرا ۶۶۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت
www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۳ اسفند ۱۳۹۱، ۱۳ مارس ۲۰۱۳

سرمد عبدال کلپریان

با تجمعات اعتراضی کارگران بازداشتی را آزاد کنیم

توسط نیروهای اطلاعاتی رژیم
بازداشت شد.

قبل از هر چیز آنچه که در رابطه
با دستگیری و بازداشت فعالین،
چهره ها و شخصیت های کارگری در
اذهان مردم نقش می بندد این است
که این فعالین نه تنها در میان مردم
محبوب هستند بلکه از مدافعین
پرشور دفاع از حقوق کارگران و کل
جامعه هستند و جمهوری اسلامی
تحت هیچ عنوانی حق ندارد آنها را
بازداشت کند. مظفر صالح نیا بدلیل
اعتراض به وجود پدیده کارتن خوابی
بازداشت و زندانی می شود، بهنام
ابراهیم زاده بخاطر دفاع از حقوق
کودک به زندان می افتد، اعضای
کمیته همابنگی بدلیل فراخوان
شرکت در دفاع از حقوق زن و در
صفحه ۲



عبدال کلپریان

روزهای گذشته شهر سنندج
شاهد بازداشت ۵ نفر از اعضا کمیته
همابنگی به نامهای وفا قادری،
سید خالد حسینی، علی آزادی،
بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد
توسط ماموران امنیتی رژیم
اسلامی بود. متعاقب این بازداشتها
شریف ساعد پناه از اعضای اتحادیه
آزاد کارگران ایران و یکی از چهره
های محبوب مردم و کارگران،

پیام شهلا دانشفر به همه زنان و مردان به مناسبت هشت مارس



تحقیر و بی حرمتی به جان آمده.
روز ما که زندگی مان مبارزه علیه
نابرابریها و محرومیت هاست. روز
ما که عزم کرده ایم جامعه را از شر
نیروهای مرتجع و مفتخور و عقب
مانده طبقات بی خاصیت خلاص
کنیم. صفحه ۵

زنان! کارگران مردم شریف

یک بار دیگر هشت مارس روز
جهانی زن فرا میرسد. هشت
مارس روز ماست. روز انسانهای
رنج کشیده و ستم کشیده و به جان
آمده. روز انسانهای از زورگویی و

تاریخچه ای کوتاه از ۸ مارس، روز جهانی زن



شهلا شریفی

این تظاهرات آرام مورد حمله
وحشیانه پلیس قرار گرفت و در
نتیجه این حمله و ضرب و شتم
بیرحمانه آنها، تعدادی از کارگران
کشته شده و عده خیلی بیشتری
زخمی شدند و یا توسط پلیس
صفحه ۳

بیش از ۱۴۵ سال پیش در روز
۸ مارس سال ۱۸۵۷ کارگران زن
نساجی نیویورک به خیابانها
ریختند تا به شرایط وحشتناک
کاری، ساعات طولانی کار و
دستمزدهای پائین اعتراض کنند.

نگاهی به وضعیت زنان در کردستان مصاحبه ایسکرا با فریبا رشیدی



خوانندگان نشریه ایسکرا توضیح
بدهید که اقدام به اینکار در میان
زنان و دختران در شهرهای
کردستان به چه علت است؟ چرا
صفحه ۱۰

ایسکرا: همانطور که میدانید
در برخی از شهرها و مناطق
کردستان مدام با پدیده خودکشی
زنان مواجه هستیم، آگه ممکن
است مقداری در این رابطه برای

اخبار و گزارشات ۸ مارس در شهرهای کردستان



کمیته برگزاری مراسم
۸ مارس سنندج

" از پای نخواهیم نشست "

گرامی داشت ۸ مارس در سنندج،
رفته رفته با توجه به استمرار آن طی
سال های گذشته به یک سنت
مبارزاتی ماندگار تبدیل شده، و
عملاً هیچ عاملی، حتی شدیدترین
تدابیر امنیتی و پلیسی، و توسل
جستن به بالاترین سطح ارباب،
تهدید و بازداشت فعالین عرصه
حقوق زنان و سایر فعالین اجتماعی

مدافع حقوق زن، مانع برگزاری
مراسم های گرامی داشت آن نخواهد
شد. صفحه ۶

کنفرانس بین المللی هشت مارس در فرانکفورت آلمان با موفقیت برگزار شد!

صفحه ۴

صفحه ۸

اطلاعیه های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

تجمع بستگان فعالین کارگری بازداشتی سنندج در مقابل اداره اطلاعات

صفحه ۱۱

جنبش اول ماه مه در کردستان / نسان نودینیان / بخش چهاردهم

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ با تجمعات اعتراضی ...



نشان داد و به سرکوبگران فهماند که دوره قدر قدرتی و رجزخوانی آنها تمام شده است. این اقدامات سرکوبگرانه رژیم نه از سر قدرتی بلکه از سر استیصال و سردرگمی آنها مایه میگیرد.

کارگران میتوانند و جسارت و قدرت این را بارها نشان داده اند که همکاران و هم طبقه ایهای خود را از چنگ سرکوبگران نجات دهند. مردم همچون همیشه خانواده های دستگیرشدگان را می توانند در حلقه محبت خود گرفته و نباید اجازه داد آنها احساس تنهایی کنند.

با امضای تومار و تراکت و بیانیه و شرکت در تجمعات اعتراضی و هر شکلی از اعتراض که ممکن و عملی است در جهت تلاش برای آزادی این فعالین کارگری با قدرت و اتحاد باید به میدان آمد. علاوه بر شریف ساعد پناه، وفا قادری، سید خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد، هم اکنون تعدادی از فعالین کارگری در زندان بسر میبرند برای آزادی کارگران زندانی باید اقدامات متعدد و متنوعی را پیش برد. این اقدامات سالهاست که به انحاء مختلف از جانب مدافعین حقوق کارگری و انسانی انجام گرفته است. باید به این واقف بود که میتوان و لازم است متحدانه تر به میدان آمد.

همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. آزادی همه این عزیزان فقط با تلاش و مبارزه پیگیر و متحدانه کارگران و مردم آزادیخواه ممکن است. این را بارها و بارها مردم مبارز در شهرهای کردستان بویژه مردم سنندج نشان داده اند. بارها توانسته ایم سخنگویان و چهره های محبوب و مدافع حقوق انسانی را از چنگ رژیم اسلامی خارج سازیم. با تجمع در مقابل زندان و دیگر نهادهای محل بازداشت فعالین کارگری خواهان آزادی این عزیزان و همه زندانیان سیاسی شویم.

کارگری در آنجا بازداشت و زندانی هستند باید با عکس العمل سریع و وسیع مردم و آزادیخواهان مواجه شود در غیر این صورت نه تنها به بهانه های واهی این کارگران در بازداشت و زندان نگه میدارد، بلکه تمام کارگران و فعالینی که قبلا با قید وثیقه از زندان آزاد شده اند را نیز مجدداً یکی پس از دیگری با تهدید و ارعاب به زندان باز خواهد گرداند. ما مردم ما کارگران و تشکلهای کارگری می توانیم این سیاست و تاکتیک رژیم اسلامی را با شکست مواجه کنیم. کارگران و مردم آزادیخواه میتوانند و این قدرت و نیرو را دارند که جمهوری اسلامی را ناچار به عقب نشینی کنند. باید به هر شکل ممکن اعتراض و مبارزه برای آزادی این فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی را گسترش دهیم. بی گمان همه فعالین و تشکلهای کارگری و مردم آزادیخواه می توانند در یک اقدام مشترک و متحدانه برای آزادی فعالین کارگری دست بکار شوند. قدرت ما در اتحاد و همبستگی ما است.

مردم سنندج همراه فعالین و تشکلهای کارگری و خانواده های آنها بارها موفق شده اند با ادامه اعتراض خود فعالین کارگری را از زندان آزاد کنند. این تجارب موفق اگر درسی داشته و دارد این است که اعتراض و مبارزه برای آزادی فعالین کارگری را باید متحدانه تر و گسترده تر به پیش برد. با صدور قطعنامه، بیانیه و حمایت از کارگران بازداشتی و تجمع مستمر و گسترده در مقابل مراکز دولتی و زندان محل بازداشت این فعالین می توانیم جمهوری اسلامی را ناچار به آزادی آنها بکنیم. قدرت مردم و در راس آنها فعالین و تشکلهای کارگری بیشتر از آن است که جمهوری اسلامی فکر میکند. باید این قدرت را عملاً

اسلامی آزاد کنند و پاسخ دندان شکنی به آنها بدهند. مردم نه تنها در جریان آزادی فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی تجارب با ارزشی بدست آورده اند بلکه این اعتراض و مبارزه اکنون به امر هر روزه شان تبدیل شده است. این تجارب قطعاً برای آزادی فعالین بازداشتی روزهای اخیر، باید قدرتمند تر از پیش به میدان بیاید.

جمهوری اسلامی در موقعیت وخیمی قرار گرفته است. زیر ضرب مردم است، اوضاع نظام و کاربدستان دزد، فاسد و جنایتکارش بهم ریخته و به جان هم افتاده اند. در کمین نشتن مردم برای تعیین تکلیف نهایی را بو کشیده اند. باید اعتراضات خود را سازمانیافته گسترش دهیم. تجمعات اعتراضی سازمانیافته، گسترده و متحدانه کلید موفقیت برای آزادی فعالین کارگری و عقب نشینی حکومت اسلامی است. بازداشت و زندانی کردن و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری سیاستی است که جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای کل جامعه در پیش گرفته است. سران حکومت اسلامی شیر فهم شده اند که جنبش کارگری ایران در هیچ دوره ای به اندازه امروز چهره های محبوب و شناخته شده نداشته است.

از این رو می خواهد همین دستاورد را از جنبش کارگری بگیرد و جامعه را از رهبران و سخنگویان لایق خود محروم کند. نباید اجازه بدهیم که رژیم اسلامی به این اهداف خود برسد. اگر تلاش و مبارزه برای آزادی کارگران زندانی در ابعاد وسیع و اجتماعی شکل نگیرد جمهوری اسلامی بعد از اجرای احکام صادره علیه کارگران دستگیر شده، تعداد بیشتری را بازداشت و تعرض بیشتر به کارگران را ادامه خواهد داد. نهادهای جمهوری اسلامی در سنندج و هر کجای دیگر که فعالین

و مطالبات کارگران و کل جامعه هستند.

جمهوری اسلامی و نهادهای سرکوبگرش با زندانی و بازداشت کردن هر انسان شریفی در مقابل این خواستها عملاً و علناً سالیهاست نشان داده است که بجز فراهم کردن یک زندگی سراپا فلاکتبار برای مردم و اثبات ضدیت با هر آنچه که بویی از حق خواهی، حرمت، کرامت و انسانیت دارد چیزی به ارمغان نیاورده است. جامعه میلیونی فقر زده بشدت تشنه رفاه، امنیت، حرمت و برخورداری از یک زندگی انسانی است. این حق طبیعی را بیش از سه دهه است حکومت اسلامی پایمال کرده است. تلاش و تقلاهای سران و کاربدستان حکومت اسلامی برای خفه کردن صدای اعتراض فعالین کارگری بعنوان نمایندگان و سخنگویان مردم، تلاشی برای بقای یک نظام فاسد و پوسیده است. حکومت اسلامی برای بستن هر گونه صدای حق طلبانه ای تمام توان و نیروی سرکوب نظامی خود را بکار می برد بلکه بتواند اندکی به عمر سراپا نکبت و مملو از فساد اسلامی اش بیافزاید.

این اولین باری نیست که ماموران امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی در اوج توحش به منازل فعالین کارگری یورش می برند. سالهاست که این دور تسلسل برای به سکوت کشانیدن صدای اعتراض مردم در جریان است و مردم مبارز شهرهای کردستان با اعتراضات و تجمعات خود موفق شده اند که عزیزان و سخنگویان خود را از چنگال حکومت جنایتکار

دفاع از حقوق هم طبقه ای های خود دستگیر و روانه بازداشتگاه می شوند. شریف ساعد پناه و بسیاری دیگر از فعالین کارگری در شهرهای کردستان و در سراسر کشور فقط به این خاطر که از کارگر، زن، کودک و در یک کلام از حقوق انسانی دفاع می کنند، توسط قداره بندان یک حکومت بتمام معنا فاشیست و ضد مردمی به زندان افکنده می شوند.

نیازی به این نیست که عمق توحش رژیم اسلامی را برای کسی توضیح داد که جایگاه "جرم" فعالین کارگری چیست. دم و دستگاه این حکومت، زندانها و بازداشتگاههای برای کسانی ساخته شده است که مدافع پیگیر حقوق انسان هستند، برای کسانی ساخته شده است که خواهان یک زندگی شایسته انسان امروز هستند، برای کسانی ساخته شده است که در دفاع از حرمت، کرامت و شخصیت انسانی و اجتماعی میلیونی مردم فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی سر می دهند. جرم این شخصیتهای سرشناس و محبوب برخورداری مردم از یک زندگی انسانی است، جرمشان پایان دادن به فقر و فلاکتی است که حکومت اسلامی به ۹۹ درصد مردم و طی بیش از سه دهه به جامعه تحمیل کرده است. جرمشان تلاش برای گرفتن دستمزدهای زیر خط فقری است که ماهها پرداخت نشده است. جرمشان خواست و تحقق جامعه ای عاری از استثمار، بردگی، سرکوب، اعتیاد، بیکاری، تن فروشی، کارتن خوابی، قتل، کشتار، زندان و شکنجه است. فعالین کارگری سخنگویان خواست



توجه توجه
برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید
مجری برنامه: پدی محمودی
این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰ شب به وقت ایران
و ۸:۳۰ تا ۱۰ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود
مشخصات ماهواره: KURD KANNEL
هات برد ۸
ترانسپوندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی
ا.ک.ای سی ۵/۶
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
 برای مشاهده برنامه پخش مستقیم به زبان کردی و دیگر برنامه های کانال جدید از اینترنت به لینک زیر مراجعه کنید.
<http://www.newchannel.tv/>

از صفحه ۱ تاریخچه ای کوتاه از ...



دستگیر و روانه زندانها شدند. این کارگران آموغ نمی دانستند که این اقدامات مبارزات زنان و کارگران بگذارد. آنها و مبارزاتشان در خاطره تاریخ مانده اند و هر ساله توسط کسانی که ۸ مارس را جشن می گیرند، تقدیر میشوند. چرا که در گرامیداشت تلاش آنها بود که ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن تعیین شد.

با الهام از سوسیالیستهای آمریکایی که هر ساله آخرین یکشنبه فوریه را بعنوان روز زن جشن می گرفتند، دریک کنفرانس بین المللی در رابطه با وضعیت زنان که در جوار یکی از کنگره های انترناسیونال در کینهاگ برگزار شد کلارا زتکین و لوئیس زیتس، دو تن از سوسیالیستهای سرشناس آلمانی پیشنهاد تعیین روزی بعنوان روز جهانی زن را مطرح کردند. تعیین چنین روزی با هدف مبارزه برای برابری زن و مرد و مبارزات زنان مخصوصا مبارزه برای حق رای در آلمان مطرح شد. ۱۰۰ نماینده از ۱۷ کشور مختلف که در این کنفرانس شرکت داشتند با استقبال فراوان این پیشنهاد را پذیرفتند و در کنگره هم این پیشنهاد توسط نمایندگان کنگره به تصویب رسید.

از آن زمان تاکنون روز ۸ مارس هر ساله توسط زنان و مردان زیادی در سراسر دنیا گرامی داشته میشود و به روزی برای مبارزه برای دنیایی بهتر و برابر تبدیل شده است. این روز تبدیل شده است به حلقه واسطی که

در طول تاریخ اتفاقات بسیار قابل ملاحظه ای مشاهده میشوند که به ۸ مارس مربوطند و نشان می دهند که زنان نقش سنتی خود را رها کرده و تلاش نموده اند بر روی مسائل سیاسی عصر خود تاثیر بگذارند. سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ در بسیاری از کشورهای اروپایی زنان در روز جهانی زن به خیابانها ریختند تا به جنگی که در آستانه شروع بود اعتراض کنند. به عقیده بسیاری از صاحب نظران تظاهرات وسیع زنان روسیه در شهر پیتربورگ در سال ۱۹۱۷ که توسط آلكساندرا کولونتای و دیگر فعالین زن با شعار نان و صلح سازمان داده شده بود جرقه انقلاب اکتبر را در آن سال زد.

سالهای دهه ۱۹۶۰ جنبش زنان در ۸ مارس به میدان می آمد تا حق رای زنان و حقوق برابر را مطالبه کنند. ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن در کشورهای غربی تا سال ۱۹۷۷ اساسا در میان فعالین حقوق زن شناخته و گرامی داشته میشود. سازمان یونسکو در نشست عمومی خود در سال ۱۹۷۷ از کشورهای عضو خود خواست ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن و صلح جهانی برسمیت بشناسند. از آن پس هر سال یونسکو تم مشخصی را برای ۸ مارس اعلام کرده و تجمعات و کنفرانسهای خود را حول این تم سازمان داده است. از جمله این تمها، "زنان و حقوق بشر"، "زن و مرد متحد علیه خشونت"، "حقوق برابر، فرصتهای برابر، توسعه برای همه"، "زنان متحد برای صلح" و غیره بوده اند.

در ایران نیز مبارزه برای برابری زن و مرد و گرامیداشت روز جهانی زن قدمت زیادی دارد. اولین گرامیداشت ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن نزدیک به نود سال پیش در شهر رشت و توسط کمونیستهای آندوره که از شوروی الهام می گرفتند برگزار شد. بعد از آنهم هرچند که روز جهانی زن خیلی در سطح عموم شناخته شده نبود اما در میان فعالین زن کمابیش گرامیداشت

میشد. بعضیها تلاش کردند روزهای دیگری را بعنوان روز ملی زن در ایران رسم کنند. برای نمونه سلطنت طلبان روز کشف حجاب را بعنوان روز زن اعلام کردند و جمهوری اسلامی سعی کرد با براه اندازی هفته فاطمه زهرا روز جهانی زن را به پدیده ای اسلامی تبدیل کند. تاریخ نشان داد که هیچکدام از این مناسبتها توسط زنان و مردان برابری طلب و آزادیخواه هیچگاه بعنوان روز زن برسمیت شناخته نشده و همچنان با پافشاری بر ۸ مارس بعنوان روز زن و گرامیداشت این روز حتی در زیر بدترین حلقانها حاضر نشدند زیر بار ستمکشی و بی حقوقی زن چه از نوع پادشاهی و چه از نوع اسلامی آن بروند. در میان ۸ مارسهای تاریخی دنیا، می توان از ۸ مارس ۱۳۵۷ در ایران هم اسم برد. روزی که زنان و مردان آزادیخواه در ابعاد وسیعی به خیابانهای تهران ریختند تا بر علیه فتوای حجاب اجباری خمینی و دیگر قوانین ضد زن اعتراض کنند. این اولین و بزرگترین تظاهراتی بود که بعد از سر کار آمدن رژیم تازه به قدرت رسیده انجام می گرفت و پایه خیلی مهمی بود برای جنبش رو به رشد زنان و جنبش مقاومت علیه رژیم.

اکنون ۳۴ سال بعد از بقدرت رسیدن رژیم ضد زن اسلامی و علیرغم سرکوب شدید زنان و تحمیل ضد زن ترین قوانین اسلامی به جامعه و حاکم کردن آپارتاید جنسی کامل، زنان با مبارزات خود علیه این قوانین و با مقاومت جسورانه و ایستادگی در مقابل قوانین اسلامی توانسته اند جمهوری اسلامی را در خیلی از عرصه ها به عقب رانده و با

به استیصال بکشانشان چنانچه از

سخنرانیهای بیشتر آوندها و سران رژیم پیداست حجاب اسلامی، به خانه فرستادن زنان، محدود کردن تحصیل، جلوگیری از رابطه آزاد دختران و پسران جداسازیهای جنسیتی و غیره و غیره همه با شکست روبرو شده و موج عظیم خلاصی فرهنگی در میان زنان و جوانان به تهدیدی جدی برای این رژیم تبدیل شده است. زنان ایران با پافشاری بر ۸ مارس همبستگی و هم سرنوشتی خود را با زنان سراسر دنیا اعلام کرده اند و نشان داده اند که حاضر نیستند توقعاتشان را از بالاترین استانداردهای برابری طلبانه برای زنان در دنیا پائینتر بیاورند. زنان ایران بحق طلیعه داری مبارزه با ارتجاع اسلامی در سطح منطقه شده و هم اکنون تلاش می کنند با پیوند زدن مبارزات خود با مبارزات زنان در مصر و تونس و جاهای دیگر به حکومتهای سیاه و ضد زن اسلامی پایان دهند.

جنبش آزادی زن در ایران بخاطر حاکمیت اسلام سیاسی و تبعیض و بی حقوقی و آپارتاید جنسی آشکاری که این رژیم بر زنان تحمیل کرده است بطور ویژه ای ضد مذهب و ضد اسلام است و به این معنی پرچمدار مبارزه با ارتجاع ضد زن در منطقه می باشد که اینروزها نموده های آنرا بیش از پیش در مناطق دیگر خاورمیانه و جهان مشاهده می کنیم. مبارزه برای برابری و آزادی تا زمانیکه حتی در يك نقطه جهان زنان در نابرابری و تحت ستم زندگی کنند ادامه خواهد داشت و روز ۸ مارس روزی است که مبارزات زنان و مردان برابری طلب در سطح دنیا را به هم وصل می کند.***



فلس ستمکشی و فروردستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث فقرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است.

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

کنفرانس بین المللی هشت مارس در فرانکفورت آلمان با موفقیت برگزار شد!



"بهار عربی، انقلاب زنانه، سکولاریسم، نه به شریعه"، عنوان کنفرانسی بود که با حضور شخصیت های سرشناس بین المللی در دانشگاه فرانکفورت در روز هشت مارس برگزار شد.

جمعیتی بیش از دویست نفر در روز هشت مارس، روز جهانی زن، از ساعت چهار بعد از ظهر شاهد سخنرانی های پرشور زنانی بود که در دنیا نامی دارند و بیوگرافی هر یک از آنها که قبل از سخنرانی ایشان خوانده میشد، موجی از احترام و ابراز احساسات را در بین حاضرین دامن میزد.

کنفرانس در فاصله زمانی کمتر از دو ماه سازمان یافته بود و کار فشرده یک تیم مجرب سازماندهی را پشت سر خود داشت. سالنی بسیار زیبا و آراسته با گلهای رنگارنگ، احساسات تیم سازمانده را نشان میداد که با رنگ و گل و شادی هر آنچه در توان داشتند بکار برده بودند

تا کنفرانسی موفق با محیطی زیبا و جذاب را سازمان دهند. یک نمایشگاه عکس از مبارزات زنان در سراسر جهان از انقلاب مصر و مبارزات زنان در تونس تا مبارزات زنان در ایران و پاکستان و هند و افغانستان زینت بخش سالن بود. کنفرانس را نازنین برومند با یک سخنرانی کوتاه آغاز کرد. او گرداننده کنفرانس بود و در طول چهار ساعت برگزاری کنفرانس سخنرانان را معرفی میکرد و در پایان نیز قسمت سوال و جواب با حاضرین را پیش برد. پتی دویونیتا مترجم سخنرانیها و پیام ها از انگلیسی به آلمانی بود.

در ابتدای برنامه بعد از نمایش فیلم

بنیادگرای اسلامی ظاهرا از من شکایت کرده و به من اجازه خروج از کشور ندادند، ولی من در کنار مبارزات شما زنان از ایران هستم. مبارزاتی که با یک هدف انجام میگیرد و ما زنان از بنگلادش و هند و دیگر نقاط دنیا با هم برای رسیدن به آزادی و برابری مبارزه میکنیم. من و شما زنان از ایران با وجود اینکه زبان مشترک نداریم و از کشورهای مختلفی هستیم، ولی هر گاه که در کنار شما هستم، احساس میکنم در کنار خواهران خود هستم و خود را در مبارزه و فعالیتهای شما شریک و سهیم میدانم. برای شما آرزوی کنفرانس موفق را دارم.

اولین سخنران کنفرانس هوزان محمود بود. هوزان فعال سرشناس از کردستان عراق است. او که در بیوگرافی اش نیز اشاره شده بود در کنفرانس های بین المللی زیادی شرکت کرده و مقالات متعددی در مورد نقض حقوق انسانی زنان در کردستان و عراق نوشته و مقالاتش بارها در ایندیندنت و یا گاردین و رسانه های متعدد دیگری چاپ شده است. هوزان که از یک کنفرانس دیگر به فرانکفورت آمده بود، گفت که معضل زنان یک مشکل بین المللی و در عین حال یک معضل سیاسی است. باید در مورد علت این معضلات و راه حل پایان دادن به خشونت بر زنان بعنوان یک معضل مهم سیاسی حرف زد و راه نشان داد. او از تجربه زندگی خود در کردستان عراق و از اینکه همواره در جنگ زندگی کرده و با معضلات متعدد دست و پنجه نرم کرده حرف زد و گفت در طول جنگ و معضلات این چنینی نیز زنان قربانی شده و حقوق انسانی آنها زیر پا له میشود. او خواهان مبارزه فعالانه تر و همبستگی جهانی مبارزات زنان شد.

سخنران بعدی نجلا کله ک بود. یک زن سرشناس و فعال در دفاع از حقوق زنان در کشور آلمان. نجلا از ترکیه است و سالها است که ساکن آلمان است، او جامعه شناسی تحصیل کرده و چندین سال در کنفرانس اسلام که از سوی دولت آلمان سازمان یافته عضو بود و سپس بدلیل درگیر شدن با نمایندگان سازمانهای اسلامی در این کنفرانس

این نشست را ترک کرد. نجلا چندین کتاب در مورد مشکلات زنان نوشته و آخرین آن بعد از سفری چند ماهه به مصر بود با عنوان "حریت یعنی آزادی!"

نجلا در این کنفرانس بخشی از کتاب خود را خواند. او گفت که مذهب و اسلام و شریعه در مصر با رفتن مبارک شروع نشده است. اسلام همیشه در مصر حضور داشته و موقعیت زنان را تحت تاثیر قرار داده است. اسلام و شریعه در قانون اساسی قبلی کشور مصر بوده و حقوق زنان اساسا در آن دوره نیز بر اساس شریعت اسلام تعریف میشده است. پس امروز با آمدن مرسی و مطرح بودن موضوع اسلام، باید توجه کرد که برای رسیدن به آزادی زنان در مصر باید با اسلام بعنوان قانون و بعنوان فرهنگ و سنت دیرینه مقابله کرد و از این طریق به آزادی رسید.

در فاصله سخنرانیها ویدئوکلیپ هایی از مبارزات زنان پخش میشد. سخنران بعدی کنفرانس مریم نمازی بود. قبل از سخنرانی مریم ویدئو کلیپ کوتاهی از اعتراض زنان در استکهلم سوئد نشان داده شد. کمیونتهای جوان ایرانی از سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران و به مناسبت هشت مارس با تن برهنه علیه حجاب اسلامی اعتراض میکردند و این حرکت در سطح بین المللی انعکاس بسیار گسترده ای داشته، در کنفرانس نمایش داده شد.

مریم نمازی یک چهره سرشناس بین المللی در نقد بدون لکنت زبان اسلام و جنبش اسلامی است. او در راس نهادی است به اسم یک قانون برای همه و همچنین مسئول نهاد اکس مسلم در انگلستان است. در بیوگرافی او که برای حاضرین در کنفرانس قرائت شد، مریم نمازی را چهره سرشناس بین المللی در دفاع از حقوق زنان و در نقد اسلام معرفی کرده بودند و اینکه او جوایزی بدلیل این فعالیتهای درخشان دریافت کرده و سکولاریست سال بوده است.

مریم در سخنرانی خود به زبان انگلیسی که با نشان دادن تصاویری همراه بود، گفت: ما باید ببینیم که در دنیا و در همه جا علیه نابرابری و

خشونت مبارزه وجود دارد، بعد از چندین دهه تروریسم اسلامی و میلیتاریسم دولتهای اروپایی و دولت آمریکا و لجام گسیختگی بازار آزاد و همچنین نسبیست فرهنگی و عقبگرد از جهانشمولی حقوق انسانی، یک دوره جدید دارد شروع میشود، دوره مبارزه و مقاومت و اعتراضات میلیونی، دوره پیشروی در دفاع از حقوق و حرمت انسانی، و سوال اینست که آیا سکولارها در دنیای غرب و مدافعین حقوق زنان برای این دوره جدید و این دنیای جدید آماده هستند تا همبستگی واقعی خود را نشان دهند. سخنرانی مریم بارها با تشویق جمعیت همراه بود و مورد استقبال قرار گرفت.

قبل از سخنرانی مریم نمازی نازنین برومند با دادن توضیحاتی در مورد مخارج این کنفرانس از حاضرین خواست کمک مالی کنند و حاضرین حدود ۵۰۰ یورو کمک مال کردند.

بعد از سخنرانی مریم نمازی اعلام تنفس شد و بعد از آن برنامه با سخنرانی زانا رمدانی از گروه فمین ادامه یافت. زانا از مقدمونه هست و از یک پدر و مادر مسلمان، اکنون ساکن آلمان است و از موسسین گروه فمین در این کشور است. او بارها در برنامه های متعدد گروه فمین حضور داشته است. او در سخنرانی خود گفت که باید تابوها را کنار گذاشت، تا کنون تن زنان اساسا بعنوان یک وسیله و یا کالا در تبلیغات و غیره مورد استفاده بوده اکنون ما در گروه فمین سعی میکنیم از تن خودمان اعاده حیثیت کنیم و استفاده کنیم و اعلام کنیم نه به خشونت و سکسیسم و نابرابری. این یک جنبش جهانی است و زنان اعلام میکنند انسان برابر با مردان هستند و نه یک کالا و یک وسیله سو استفاده جنسی. او گفت که باید بر علیه همه نوع نابرابری بود و علیه مذاهب و یا جنبش هایی که حقوق زنان را پایمال میکنند در هر جای دنیا اعتراض کرد. سخنرانی زانا و صراحت او در نقد نابرابری مورد استقبال جمع قرار گرفت. قبل از سخنرانی زانا ویدئو کلیپ کوتاهی از فعالیتهای گروه فمین پخش شد.

بعد از زانا رمدانی مینا احدی

کنفرانس بین المللی هشت مارس ...

از صفحه ۴



سخنرانی کرد. قبل از آغاز سخنرانی مینا، ویدئویی از مبارزات زنان در ایران و بیش از سه دهه مقاومت و مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی در نازنین برومند مینا را معرفی کرد. چهره سرشناس علیه اعدام و سنگسار، یک سازمان دهنده موفق کمپین ها و بویژه آخرین و موفق ترین کمپین علیه سنگسار یعنی کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی. او موسس نهاد بین المللی علیه اعدام و سنگسار و همچنین سازمان اکس مسلم بود.

مینا احدی در سخنرانی خود به چند دهه مبارزه زنان در ایران علیه حکومت اسلامی اشاره کرد و در این مورد که جنبش اسلامی زنان را در ایران و افغانستان و کشورهای اسلام

زده مورد حمله وحشیانه قرار داد حرف زده و گفت سوال این است که دنیا چگونه به این وحشیگری عکس العمل نشان داد. مینا به نقد سیاست دولت‌ها و یا بسیاری از فمینیست‌ها و روشنفکران غربی پرداخت و گفت: ما در دنیایی زندگی کردیم که مه آلود بود و به ما می‌گفتند سنگسار فرهنگ شما است و ایران کشور اسلامی است و فرهنگ مردم این است. ما زنان سی و چهار سال علیه حکومت فاشیست اسلامی و علیه نسبیت فرهنگی و این توترانس با فاشیسم اسلامی جنگیدیم. مبارزات ما علیه تهدید به مرگ و فتوای جنبش اسلامی و مقاومت و ایستادگی ما حتی باعث شد که کسانی همچون سلمان رشدی که بدلیل فتوای اسلامیه‌ها بیست سال مخفی شده بود، علنی تر شده و در مقابل این جنبش انسان کش و کثیف علنی تر مبارزه کند. مینا

در بخش پایانی کنفرانس نازنین برومند در مورد اینکه این کنفرانس در فاصله کوتاهی سازمان یافته و یک جمع بزرگ بویژه از شهر فرنکفورت این برنامه را سازمان داده اند، اعلام کرد که دسته گلی به شهناز مرتب سازمان دهنده این کنفرانس می‌دهیم که هدف ما نشان دادن احترام ما به همه کسانی است که شبانه روز تلاش کردند و این کنفرانس بزرگ را سازمان دادند.

شهناز مرتب در این قسمت در پشت میکروفون قرار گرفت و طی سخنان کوتاهی گفت: ما با علاقه این کنفرانس را سازمان دادیم و با این نوع کنفرانس‌ها می‌خواهیم بگوییم علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی مبارزه می‌کنیم و در عین حال علیه هر نوع راسیسم و خارجی ستیزی. او از حضور همگان در این کنفرانس تشکر کرد.

در طول کنفرانس یک تیم از تلویزیون کانال جدید با حاضرین به زبان فارسی و آلمانی مصاحبه میکرد و یک تیم از فیلمبرداران و عکاسان از برنامه عکس و فیلم تهیه میکردند. فیلم های این کنفرانس بتدریج منتشر خواهد شد.

در پایان کنفرانس، جشن و پایکوبی شروع شد و در ساعت ۱۰ شب در حالیکه همه از برگزاری و سازماندهی و مضمون بسیار جالب سخنرانیها راضی بودند پایان یافت. در اینجا یکبار دیگر از حضور همه سخنرانان و حاضرین در این کنفرانس تشکر می‌کنیم و در عین حال از تک تک دوستانی که برای برگزاری سازمان یافته و حرفه‌ای این کنفرانس مهم زحمت زیادی کشیدند، صمیمانه قدرانی می‌کنیم.

شورای مرکزی اکس مسلم
علیه تبعیض
(سازمان دفاع از حقوق زن)
۱۰ مارس ۲۰۱۳
۲۰ اسفند ۱۳۹۱

در لینک زیر میتوانید عکس های کنفرانس را مشاهده کنید

<http://www.exmuslime.com/Gallery>

پیام شهلا دانشفر به همه زنان و ...

از صفحه ۱

هشت مارس روز همه ماست. نه فقط روز زنان. بلکه روز همه مردم ضد ستمگری علیه زنان. ما سازندگان این روز از همان آغازش هستیم. از همان آغاز بوجود آمدن این روز در آمریکا، در کشورهای اروپایی یکی بعد از دیگری، در روسیه و در ایران و در سراسر جهان، حرف ما این بود که تبعیض علیه زن را نمی‌پذیریم. فقر را نمی‌پذیریم. شرایط برده وار کار را نمی‌پذیریم. می‌خواهیم حق رای داشته باشیم و در سرنوشت جامعه دخیل باشیم. می‌خواهیم برابر باشیم. از همان آغاز این روز با اعتراض ما کارگران زیر ستم و استعمار آفریده شد. امروز نیز هشت مارس را به عنوان یک روز بزرگ اعتراض خود باید گرامی بداریم. باید کل مردم جامعه را متوجه کنیم که ستم بر زنان اهرم ستم بر کل جامعه است و رهایی زن از شر حکومت منفور اسلامی و همه سنن و قوانین و احادیث عهد بربریت، یعنی رهایی کل ما مردم! تک تک ما کارگران از همه بخشها یعنی کارگران کارخانه ها، بیکاران، کارگران بازنشسته، معلمان، پرستاران و غیره باید در این روز دخیل شویم. کاری نکنیم. جشن بگیریم. تجمع کنیم، بحث کنیم، حجاب بگیران کنیم و خلاصه فضایی از روز هشت مارس را در

هشت مارس امسال در حالیکه فقر و گرسنگی زندگی و معیشت همه ما مردم را به تنگنا کشیده است، در حالیکه ستم به زن ابعاد جنایتباری به خود گرفته است بپا می‌خیزیم و شعار ما نان، آزادی برابری است. شعار ما برابری کامل زن و مرد است. شعار ما کوتاه شدن دست مذهب از زندگی جامعه است. شعار ما نه به حجاب و به تبعیض جنسیتی است. هشت مارس را زن و مرد دست در دست هم علیه آپارتاید جنسی رژیم اسلامی بپا می‌خیزیم و سرود آزادی و انسانیت سر می‌دهیم.

زنده باد هشت مارس
شهلا دانشفر
دبیر کمیته سازمانده حزب
کمونست کارگری ایران
۱۶ اسفند ۹۱

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

اخبار و گزارشات ۸ مارس ...

از صفحه ۱



در پیشبرد مبارزات حق طلبانه خود به نمایش گذاشتند.

روز شنبه ۱۹/۱۲/۹۱ رأس ساعت ۶:۳۰ عصر جمع کثیری از زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب سنندج با حضور در محل از پیش تعیین شده مراسم، و مشاهده وضعیت به غایت پلیسی آن، برق آسا تصمیم به عوض نمودن محل مراسم نموده، و دهن به دهن همدیگر را متوجه جابجایی آن نمودند. تا بدین وسیله تمامی نیروهای امنیتی را غافلگیر نمایند. سپس با تعیین محل مناسب، اقدام به برگزاری مراسم نمودند. ابتدا حاضرین با کف زدن و سر دادن شعارهایی مانند زنده باد ۸ مارس آزادی، برابری، حکومت کارگری، کارگر زندانی آزاد باید گردد و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، توجه مردم را جلب نموده و از آنان دعوت به پیوستن به جمع خود نمودند. که این امر با استقبال و شغف مردم روبرو شد. ضمن شایان ذکر است که حاضرین با برافراشتن تراکت هایی با مضامین: رهایی زن معیار رهایی جامعه - گرامی باد ۸ مارس جنبش زنان متحد جنبش کارگری و ... خواستها و مطالبات خود را اعلام نمودند. در پایان و قبل از حضور نیروهای سرکوب و تعرض به صفوف آنان، حاضرین در میان سرور عمومی مردم، محل برگزاری مراسم را ترک نمودند. اما متأسفانه یک نفر از حاضرین توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، که از هویت ایشان هیچ اطلاعی در دسترس نمی باشد، که به محض اطلاع از وضعیت ایشان، کمیته برگزاری مراتب را اعلام خواهد نمود.

در ادامه همین سیاست بود که نیروهای امنیتی طی روزهای گذشته اقدام به بازداشت تعدادی از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی به اسمی: خالد حسینی - وفا قادری، حامد محمودی نژاد، علی آزادی و بهزاد فرج الهی نموده، و تعداد زیادی دیگر از فعالین اجتماعی و کارگری و اعضای کمیته هماهنگی به اسمی: جلیل محمدی - کورش بخشنده، فردین میرکی، عباس اندریاری، گوهر ناصری، گلریز خلیلی، یدالله صمدی، آرام زندی، سیمین چایچی، سوسن رازانی و بسیاری دیگر را از طریق تلفن و یا با حضور خشونت آمیز به منازل آنان تهدید و مرعوب نموده اند. که شاید بدین ترتیب در خفه ساختن هر گونه اعتراض و تحرکی موفق شوند. اما مردم هوشیار و مبارز سنندج با برگزاری مراسم، باری دیگر مهر بطلانی بر تمامی سیاست ها و حربه های ضد انسانی حافظان سرمایه زده، و بار دیگر عظم پولادین خود را

سنندج، ضمن تریک روز ۸ مارس، و پای فشاری بر تمامی مواضع جنبش زنان، و دفاع همه جانبه از خواست ها و مطالبات برحق زنان، تمامی تهاجمات اخیر در سنندج به صفوف فعالین کارگری و زنان را محکوم نموده، و خواستار آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان در اسرع وقت می باشد.

زنده باد جنبش رادیکال زنان
زنده باد ۸ مارس

کمیته برگزاری مراسم ۸ مارس
سنندج ۱۳۹۱/۱۲/۱۹

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت ۸ مارس روز اعتراض جهانی به نابرابری و تبعیض علیه زنان، زنده باد آزادی و برابری

با گذشت بیش از یک قرن از آغازین سالهای اعتراضات جهانی به تبعیض و نابرابری بر علیه زنان، جنبش رهایی زن امروزه در ابعادی بسیار بین المللی تر از هر دوره دیگری به میدان آمده است. گستره این جنبش در یک بعد عظیم اجتماعی دیگر محدود به کشورهای در حوزه تملن غرب نیست و کل پهنه گیتی از افغانستان و ایران و پاکستان و هند تا تونس و مصر و عربستان و قاره آفریقا تا بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آسیا تا قلب متملن ترین کشورهای اروپایی را در بر گرفته است.

این جنبش در دوره حاضر خیزی بر مراتب تاریخی تر را در جهانی آغاز کرده است که خصلت نمای آن نه معادلات جهان دو قطبی در چهارچوب رقابت دو سیستم ضد انسانی سرمایه داری دولتی شوروی و بازار آزاد غرب، بلکه بن بست اقتصادی سیاسی و فرهنگی اجتماعی کلیت نظام سرمایه داری و به میدان آمدن جنبشهای عظیم اجتماعی است، جنبشهایی که هر روزه و در ابعادی هر چه وسیعتر در حال به میدان آمدن هستند و میروند تا همچون اوایل قرن بیستم پایه های اقتصادی و اجتماعی سیاسی

نظامهای ضد انسانی موجود را در هم بکوبند و مبشر دنیایی بهتر باشند.

زنان نیمه انسان نیستند، آنان انسانند و به همین اعتبار جنبش زنان از تعیین کننده ترین جنبشهای اجتماعی در تحولات پیشروی تاریخ بشریت معاصر است. این جنبش یک جنبش میلیاردی است و پیوندی عمیق با رهایی انسان دارد، از همین رو هم است که جنبش زنان در هر دوره ای در تاریخ معاصر پیوندی همیشگی و ناگسستنی با جنبش کارگری و افق و آرمانهای آن داشته است.

جنبش زنان و جنبش کارگری از نظر ما کارگران متشکل در اتحادیه آزاد کارگران ایران بشابه دو نیمه یک پیکر اند که معیار هر درجه از رهایی هر کدام از آنان، معیار رهایی آن دیگری و کل بشریت از هر قید و ستم و استثمار است.

زنده باد ۸ مارس،
زنده باد جنبش زنان
زنده باد همبستگی و اتحاد
جنبش کارگری با جنبش رهایی زن
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۷ مارس ۲۰۱۳
۱۷ اسفند ۱۳۹۱

۸ مارس، روز جهانی زن گرامی باد کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری

۸ مارس (۱۸ اسفند) روز جهانی زن، باردیگر فرا رسید. روزی که هنوز هم در تقویم رسمی ایران جایی برای آن در نظر گرفته نشده است. این روز در واقع نماد پیکار مستمر و خستگی ناپذیر زنان کارگر، علیه همه ی اشکال ستم و بهره کشی طبقاتی در جوامع سرمایه داری است. روزی که زنان کارگر کارخانه های نساجی شهرهای نیویورک و شیکاگو، با خواست هایی چون "کاهش ساعات کار"، "برخورداری از حق رأی"، "منوعیت کار کودکان"، "آموزش های حرفه ای برای زنان" و مبارزه برای تحقق آن ها، آن را بر صفحات تاریخ مبارزات حق طلبانه و انسانی جوامع بشری به ثبت رسانده و جاودانه کرده اند.

۸ مارس در حقیقت روایتی است گلگون، که با خون زنان کارگر بر سنگ فرش خیابان های شهر

نیویورک رنگین شده و مهر خود را به عنوان یکی از روزهای تاریخ ساز بشری، بر پرچم مبارزات طبقه کارگر و همه ی انسان های عدالت طلب جامعه حک کرده است.

این روز با نام کارگر و آرمان های رهایی بخش و انسانی این طبقه، برای نابودی ظلم و بیدادگری سرمایه پیوند خورده است. این روز در واقع روز بیداری و کیفر خواست نیمی از انسان های تحت ستم و استثمار جامعه، علیه ستم و بهره کشی طبقاتی، نابرابری و تبعیض جنسی، و انواع محرومیت ها و بی حقوقی تحمیل شده از جانب سرمایه، به زن و مرد کارگر است.

۸ مارس در عین حال نشان از این دارد که بار ستم، بی عدالتی و استثمار جوامع مبتنی بر سود و سرمایه، تا چه حد بر شانه های زنان، به مثابه نیمی از جامعه سنگینی می کند و آزادی زنان تاچه حد به آزادی نیروی کار، گره خورده است.

زنان کارگر در یک چنین نظامی (نظام سرمایه داری)، به مثابه بردگان مزدی سرمایه، از یک سو همچون مردان کارگر، در کارخانه ها و مراکز کار و تولید، به شکل بی رحمانه ای استثمار شده و به فقر و تهیدستی کشانده می شوند و از سوی دیگر در زیر سلطه قوانین و فرهنگ مرد سالار و عقب مانده، انواع محرومیت ها و توهین و تحقیر را تحمل می نمایند. از سویی با ارائه کار خانگی رایگان، شرایط باز تولید نیروی کار را با کمترین هزینه فراهم می نمایند واز دیگر سو، به اجبار در همان خانه - و بیرون از آن نیز - مجبور به تحمل انواع خشونت ها و تحقیر و توهین ها می شوند. هم به عنوان بخش وسیعی از ارتش ذخیره کار، به حساب می آیند که در پشت درهای کارخانه ها به صف شده اند، تا هر زمان که سرمایه اراده کند آن ها را به بازار کار فرا بخواند و با پایین ترین دستمزد به خدمت بگیرد و به شدید ترین شکل ممکن استثمار کند و هم مسئولیت سنگین و پرمشقت کار خانگی را با همه پیچیدگی ها و زیر و بم هایش بر دوش می کشد و بی وقته به پیش می برد و ...

آری از منظر سرمایه داران و نظام بهره کشی سرمایه، زنان به عنوان نیمی از نیروی کار ارزان

از صفحه ۶ اخبار و گزارشات ۸ مارس ...

جامعه و بخش وسیعی از ارتش ذخیره کار، باید همواره مطیع و فرمان بردار باشند، به کنج خانه ها و درون آشپزخانه بزنند؛ به قوانین و فرهنگ مردسالارانه و عقب مانده تمکین نمایند و خود را با آن ها همسو و هماهنگ سازند؛ انواع نابرابری، تبعیض جنسیتی، بی حقوقی، توهین و تحقیر، خشونت و ... را تحمل کنند و در یک کلام، تحت سلطه و فرودست باقی بمانند، تا به همه اشکال ستم و بهره کشی سرمایه تن در دهند و به عنوان بخشی از طبقه کارگر، شرایط انباشت بی وقفه و پایان ناپذیر سرمایه و کسب سودهای نجومی توسط سرمایه داران را تسهیل نمایند. چرا که:

سرمایه داری به کار رایگان زنان درخانه، جهت بازتولید ارزان نیروی کار و کار ارزان زنان و کودکان، برای پایین نگه داشتن سطح دستمزدها نیاز دارد. بحران اقتصادی که هم اکنون گریبان سرمایه داری را گرفته فشار بر زنان را باز هم افزایش داده است. سرمایه داری هرآنچه را که می بایست برعهده جامعه باشد بر دوش خانواده و به ویژه زن خانواده می گذارد. این سیستم از یک سو فریاد تقدس خانواده سر می دهد و از سوی دیگر زن را همچون کالایی در معرض خرید و فروش می گذارد. ستم بر زنان ستم مضاعفی است که در کشورهای توسعه نیافته از شدت به مراتب بیشتری برخوردار است.

افزایش زنان تن فروش، کاهش سن تن فروشی، افزایش کارگران مهاجر زن، افزایش ایلز در بین زنان تنها نمونه هایی از این فشار مضاعف می باشد. سرمایه داری جهانی برای برون رفت از بحران های مزمن و ساختاری خود همواره تلاش دارد تا هزینه های تولید را از راه های مختلف از جمله استفاده از دستمزد ارزان زنان، چه از طریق انتقال مشاغل به کشورهای توسعه نیافته و چه از طریق استفاده از کار ارزان کارگران زن مهاجر کاهش دهد.

طبق آمار بانک جهانی زنان حدود ۴۰ درصد از کارگران جهان را تشکیل می دهند. نسبت اشتغال زنان در بیست سال گذشته مدام رو به افزایش بوده است که بیشترین آن در آمریکای جنوبی (از ۲۶ درصد

به ۴۵ درصد) و کمترینش در آفریقای شمالی و آسیای غربی بوده است که فقط یک سوم زنان آن از نظر اقتصادی فعال بوده اند. با این همه درآمد زنان در این جوامع کمتر از دو سوم درآمد مردان است. به عنوان مثال این تفاوت دستمزد در کارهای تولیدی در بوتسوانا ۵۲ درصد، در مصر ۷۵ درصد، در کاستاریکا ۸۱ درصد و در سریلانکا ۸۶ درصد است. طبق همین آمارها، زنان دو برابر مردان وقت خود را صرف کار بدون دستمزد می کنند و حدود ۶۵ درصد غذای جهان را تولید می نمایند. اکثر کارگران پاره وقت و بخش های غیر رسمی را زنان تشکیل می دهند و ۶۰ درصد از ۵۵۰ میلیون نفر کارگر کم بضاعت جهان را زنان تشکیل می دهند.

تفاوت دستمزد زنان و مردان نه تنها در کشورهای توسعه نیافته، بلکه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری آشکارا به چشم می خورد. به طوریکه در سال ۲۰۰۹ دستمزد کارگران زن نسبت به کارگران مرد در ایالات متحده ۲۳٪ کمتر بوده است. این تفاوت در مورد کارگران سیاه پوست و رنگین پوست زن به مراتب بیش تر از این است. همچنین در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تفاوت دستمزد کارگران زن و مرد ۱۸٪ می باشد. همین مسئله با تفاوت های اندک در همه کشورهای سرمایه داری جهان به چشم می خورد.

در همین رابطه ظاهراً بر طبق قانون، در ایران تبعیضی بین دستمزد زنان و مردان کارگر وجود ندارد و طبق ماده ۳۸ قانون کار "برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود". در حالیکه به اشکال مختلف این تبعیض اعمال می شود. به عنوان مثال در صورتی که زن کارگری فوت نماید همسر و فرزندان نمی توانند از حقوق او استفاده کنند (مستمری فوت). در حالیکه مبلغی که از حقوق زنان کارگر بابت بیمه بازنشستگی و فوت و غیره کسر می شود و به حساب تامین اجتماعی ریخته می شود (۷٪ بیمه سهم کارگر) هیچ فرقی با

مبلغ کسر شده از حقوق مردان کارگر ندارد. همچنین زنان کارگر که با استفاده از قانون بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته می شوند ماهانه معادل ۲۰ روز حقوق دریافت می کنند. زنان بازنشسته از حق عائله مندی محرومند و تنها در صورتی که به دلیل فوت همسر سرپرستی خانوار را به عهده داشته باشند این مبلغ به آنها تعلق می گیرد. آنچه مشاهده می شود تنها مربوط به کارگران استخدایمی و قراردادی است. در حالیکه اکثریت زنان کارگر در ایران در بخش غیررسمی مشغول به کار هستند. این کارگران به دلیل نداشتن قرارداد نه از خدمات بیمه ای برخوردار می شوند نه ساعت کار معینی دارند و نه از بازنشستگی برخوردار خواهند شد. دستمزد این زنان به مراتب پایین تر از حداقل دستمزد بوده و در مشاغل مشابه غالباً پایین تر از دستمزد مردان است. این بخش از زنان کارگر برای ساعات کار بیشتر از ۸ ساعت هیچ اضافه کاری دریافت نمی کنند و در صورت اخراج نمی توانند شکایت کنند. چون اساساً قراردادی در کار نبوده است. اکثر کارگران زن به صورت روزمزد مشغول به کار هستند.

بی جهت نیست که زنان آگاه و مبارز در این روز تاریخی، با گرد هم آبی های خود در اقصا نقاط جهان بانگ حق طلبی خود را علیه همه اشکال تحمیل ستم و بی حقوقی نسبت به خیل عظیمی از انسان های روی زمین، به گوش جهانیان می رسانند و پرسش های خود را با صدای بلند فریاد می زنند که: چرا فقر؟ چرا تبعیض؟ چرا تحقیر؟ چرا سنگسار؟ چرا شکنجه و زندان؟ چرا اعدام؟ چرا به زن، نه به عنوان یک انسان، که به مثابه یک کالا نگاه می شود؟ آیا به راستی زنان فرودست تر از مردان هستند؟ سهم زن از زندگی چیست؟ آیا این تنها شکل زندگی در جهان موجود است یا اشکال دیگری از زندگی نیز متصور و ممکن است؟

زمان آن فرا رسیده است که جنبش رادیکال زنان در پیوند با مبارزه طبقاتی و جنبش کارگری، رو در رو با سرمایه، به اهداف انسانی و برحق خود جامعه عمل پوشانده و به ویژه در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، آن ها را متحقق کند. این

واقعیتی است که اکثریت زنان جامعه ی ما را زنان محروم و کارگر تشکیل می دهند و این بخش از زنان بیش از سایر اقشار و طبقات اجتماعی از ستم و نابرابری جنسیتی و طبقاتی رنج می برند. زنان کارگر و تحت ستم جامعه، در زیر بار ستم و بهره کشی سرمایه و نابرابری های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی اهدایی این نظام قرار گرفته و به سختی روزگار می گذرانند. این بخش از زنان اگر متشکل شوند و به علل و اسباب بی حقوقی و محرومیت خویش آگاه گردند، بهتر از هر قشر و گروهی این توانایی را دارند که اهداف ضدسرمایه داری و رادیکال جنبش زنان را تا از میان برداشتن همه اجزاء نابرابری های جنسیتی و طبقاتی به پیش برده و در همراهی با دیگر اقشار و طبقات تحت ستم و استثمار جامعه برای رهایی جامعه از منجلاب متعفن سرمایه نقش پررنگ و تأثیر گذاری بازی کنند. بنا براین، جنبش زنان بدون به حساب آوردن میلیونها زن کارگر و خانه دار و ... نخواهد توانست تا برابری کامل زن و مرد را در جامعه به پیش برند.

"کمیتة هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، با اعتقاد به این اصل اساسی که: تا زمان سلطه مناسبات سرمایه داری و حاکمیت سرمایه، قوانین و فرهنگ مردسالارانه از جامعه رخت بر نخواهد بست و لذا برابری زن و مرد بطور کامل و در همه ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جنسیتی تأمین نخواهد شد، خواست ها و مطالبات خود را در روز ۸ مارس، روز جهانی زن، به این شرح اعلام نموده و برای تحقق یک به یک موارد آن تلاش و مبارزه خواهد کرد:

۱- برابری کامل حقوق زنان و مردان در همه عرصه های زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی و ... و لغو هر نوع قوانین زن ستیزانه و جنسیت محور، که زنان را از دستیابی به حقوق خویش در عرصه های مختلف اجتماعی محروم می نماید.

۲- برخورداری از حق ایجاد تشکلهای مستقل زنان وهمین طور برخورداری از آزادی های دموکراتیک و مدنی در همه زمینه ها و ابعاد.

۳- ایجاد امنیت شغلی و لغو قرار دادهای موقت کار، که بیشترین فشار و پیامد آن، مستقیم یا غیر مستقیم متوجه زنان محروم و تحت ستم جامعه خواهد بود.

۴- آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو همه اشکال شکنجه و اعدام، از جمله مجازات قرون وسطایی و نفرت انگیز سنگسار و از میان برداشتن هر نوع خشونت و تبعیض جنسیتی علیه زنان، در همه اشکال و صور آن.

۵- حمایت از تمامی جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلب و جلوگیری از بازداشت، محاکمه، تهدید و تعقیب فعالین جنبش های مدنی و اجتماعی.

۶- به رسمیت شناختن روز جهانی زن در تقویم رسمی ایران.

۷- برخورداری از حق طلاق، حق عائله مندی، حق حضانت از فرزندان، حق انتخاب پوشش و محل زندگی، حق انتخاب همسر، حق تحصیل، حق آزادانه سفر به مناطق مختلف و لغو سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاه ها و همچنین رفع محدودیت های قانونی اشتغال از طریق اجازه همسر یا پدر.

۸- برخورداری از حقوق و مزایای کامل برای هر نوع بازنشستگی پیش از موعد، از جمله بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن.

۹- پذیرش شغل پرمسئولیت و طاقت فرسای پرستاری، در ردیف شغل های سخت و زیان آور و در این رابطه، برخورداری پرستاران از بازنشستگی پیش از موعد، همراه با حقوق و مزایای کامل.

۱۰- برخورداری زنان خانه دار از بیمه بیکاری، تا زمان جذب به کار اجتماعی و حق استفاده از مهد کودک رایگان برای این بخش از زنان.

۱۱- برخورداری جامعه و به ویژه زنان از امنیت اجتماعی و تأسیس خانه های امن برای زنان آسیب دیده در جامعه و حمایت های ویژه بهداشتی و روانی و آموزشی و حرفه ای از آنان.

۱۲- برخورداری بازماندگان، از حقوق و مزایای مادران کارگری که در طول مدت کار، درصد حق بیمه آن ها از حقوق شان کسر شده است، در صورت فوت و درگذشت مادر.

۱۳- به رسمیت شناختن صفحه ۹

اطلاعیه های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

برای آزادی کارگران
بازداشتی باید دست به تجمعات
اعتراضی زد

بنا به خبر دریافتی روز یکشنبه ۲۰ اسفند ساعت ۳ بعدازظهر شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران با یورش حدود ۲۰ نفر از ماموران امنیتی و با تفتیش منزل و مصادره کیس کامپیوتر، او را بازداشت کرده و با خود بردند. ماموران امنیتی در پاسخ به اعتراض خانواده وی گفتند که او را بمدت دو سه ساعت بازداشت میکنیم و سپس آزاد خواهد شد اما پس از مراجعه حضوری خانواده شریف ساعد پناه به اداره اطلاعات سنندج، مامورین این اداره اعلام کردند وی چند روزی تحت بازداشت خواهد بود. خانواده و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج اعلام کرده اند چنانچه شریف ساعد پناه فردا دوشنبه آزاد نشود نسبت به تداوم بازداشت وی دست به اعتراض خواهند زد.

شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از فعالین و رهبران کارگری خوشنام در شهر سنندج است. وی سالها نماینده کارگران کارخانه پریس بود اما پس از اخراج از این کارخانه در حال حاضر کارگر پروژه مسکن مهر در شهر سنندج است. وی ۱۵ دی ماه سال گذشته به همراه مظفر صالح نیا یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت شد که در ارتباط با این بازداشت تا بحال چندین بار مورد محاکمه قرار گرفته است. در آخرین دادگاه محاکمه شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا که در روز پنجم اسفند ماه جاری برگزار شد قاضی دادگاه به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه بر استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران حکم برائت شان را صادر خواهد کرد و در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند. اما شریف و مظفر با تاکید بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کردند ما به فعالیت و عضویت خود در این اتحادیه ادامه خواهیم داد.

شریف ساعد پناه امروز در حالی

بازداشت شد که طی روزهای گذشته در شهر سنندج ۵ نفر از اعضا کمیته هماهنگی نیز به نامهای وفا قادری، سید خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد بازداشت شده اند. یورش به منازل کارگران و بازداشت تعدادی از فعالین کارگری در سنندج، در ادامه سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بر علیه مردم است. هدف این اقدامات خفه کردن صدای اعتراض کارگران در مقابل شرایط سخت شغلی و معیشتی آنها است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن این سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط شریف ساعد پناه، وفا قادری، سید خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد و همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی هستیم. ما همه فعالین و تشکلهای کارگری و مردم سنندج را فرا میخوانیم در یک اقدام فوری و متحدانه به مقابله با این سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به میدان بیایند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی فعالین کارگری و انسانهای معترض به شرایط زندگی و معیشتی خود را به این راحتی بازداشت و صدای آنها را خفه کند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی
آزاد باید گردد
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اسفند ۱۳۹۱
۱۰ مارس ۲۰۱۳

در آستانه روز جهانی زن،
۵ فعال کارگری در سنندج
دستگیر شدند

روز پنجشنبه ۱۷ اسفند، ماموران اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسلامی طی یورش وحشیانه، چند نفر از اعضای کمیته هماهنگی را با توهمین و هتاکي دستگیر کردند. تا این لحظه خبری از دستگیر شدگان در دست نیست. در جریان این حمله، چهار نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اسامی وفا قادری، سید خالد حسینی، بهزاد

فرج الهی و حامد محمود نژاد بازداشت شده اند. بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی مامورین اطلاعات با وفا قادری تماس تلفنی گرفته و تهدید کرده بودند که در صورت برگزاری مراسم ۸ مارس، روز جهانی زن، در شهر سنندج وی را بازداشت خواهند کرد. این دستگیری ها برای پیشگیری از برگزاری مراسم هشت مارس انجام شده است.

سران، کاربدستان و مزدوران رژیم اسلامی باید بدانند که برگزاری مراسم ۸ مارس حق همه مردم است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این دستگیری ها را شدیداً محکوم می کند و از کارگران و مردم مبارز شهر سنندج می خواهد که روز ۸ مارس (۱۸ اسفند) را به روز اعتراض گسترده علیه بیحقوقی زنان و اعتراض به دستگیری ها تبدیل کنند.

باید با تمام قوا به میدان آمد و روز جهانی زن را گرمی داشت. این مناسب ترین پاسخ به قداره بندان اسلامی است. باید به خیابان آمد و ضمن اعتراض به بیحقوق زنان، خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شد. باید با حمایت از خانواده های دستگیر شدگان، جمهوری اسلامی را وادار کرد که عزیزان دستگیر شده را فوراً آزاد کند. دستگیر شدگان جرمی مرتکب نشده اند. مجرم واقعی مقامات و نهادهای حکومت هستند که به منازل فعالین کارگری یورش می برند. کمیته کردستان حزب از کارگران و مردم مبارز سنندج می خواهد که برای آزادی کارگران دستگیر شده در مقابل زندان یا سایر مراکز دولتی دست به تجمع اعتراضی بزنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و آزادی سایر کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شوند.

گرامی باد هشت مارس
روز جهانی زن
کارگر زندانی، زندانی سیاسی
آزاد باید گردد
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ مارس ۲۰۱۳
۱۷ اسفند ۹۱

در آستانه روز جهانی زن
شهر سنندج نظامی شد

در اطلاعیه قبلی اشاره شد که در آستانه روز جهانی زن ۱۷ اسفند ۹۱ پنج نفر از فعالین کارگری سنندج و از اعضا کمیته هماهنگی دستگیر شدند. اسامی دستگیر شدگان وفا قادری، خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد می باشند. بامداد امروز ساعت ۵ به وقت محلی نیروهای وزارت اطلاعات به خانه این فعالین ریخته و آنها را با خود برده اند. لازم به توضیح است که به دلیل ممانعت از برگزاری مراسم روز جهانی زن امروز ۱۷ اسفند شهر سنندج کاملاً نظامی شده و در بسیاری از خیابانها و چهار راههای این شهر نیروهای اطلاعاتی و امنیتی مستقر شده اند.

به فراخوان کمیته برگزاری روز جهانی زن در سنندج قرار است امروز پنجشنبه ۱۷ اسفند مراسمی در این شهر برگزار شود. این مراسم ضمن گرامیداشت روز جهانی زن اعتراضی به اقدامات سرکوبگرانه برای ممانعت از این مراسم است.

کمیته کردستان حزب ضمن خسته نباشید به فعالین شهر سنندج، دستگیری این فعالین کارگری را محکوم میکند و همه فعالین شهر سنندج و همه آزادیخواهان را فرامیخواند در گرامیداشت روز جهانی زن به سیاست سرکوب نیروهای جمهوری اسلامی اعتراض کنند. ما مردم سنندج را فرامیخوانیم با تجمع در مقابل ادارات دولتی و حراست سپاه در سنندج خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این فعالین دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی بشوند.

گرامی باد هشت مارس
روز جهانی زن
کارگر زندانی، زندانی سیاسی
آزاد باید گردد

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اسفند ۹۱
۷ مارس ۲۰۱۳

۸ مارس روز جهانی زن
زیر سرافراز ماموران
رژیم اسلامی در سنندج

بنا به گزارشی که به ما رسیده است روز پنجشنبه ۱۷ اسفند فعالین جنبش زنان، جنبش کارگری و جمعی از مردم ساعت چهار و چهل دقیقه بعدازظهر در بازارچه ای در خیابان سیروس پس از حضور در محل توسط نیروهای لباس شخصی و نیروی انتظامی و یگان ویژه که محل را کاملاً تحت نظر داشتند مورد تعقیب واذیت و آزار قرار گرفتند. ماموران تلاش میکردند به هرقیمت از شکل گیری هر تجمعی به مناسبت روز جهانی زن جلوگیری کنند. مزدوران رژیم با ایجاد مزاحمت برای زنان و گشتن کیف و وسایل آنها اقدام به جلو گیری از تجمع آنان کردند. جمعیت در ساعت ۶ بعدازظهر و با اطلاع رسانی به همدیگر قرار گذاشتند مراسم را در چهارراه چهارباغ برگزار کنند. اما آنجا نیز توسط مزدوران رژیم قرق شد. با این حال مردم و جوانان و فعالین سعی میکردند مراسم را برگزار کنند. مدام به مزدوران یگان ویژه، انتظامی و لباس شخصی افزوده می شد که برای مدتی کاملاً خیابان را قرق کرده واز آمد و رفت ماشینها جلو گیری کردند. در نهایت با تعقیب يك به يك جمعیتی که برای مراسم آمده بودند و پراکنده کردن آنها مانع از برگزاری مراسم شدند. این فضا تا حوالی ساعت ۷ ادامه داشت اما همچنان نیروهای امنیتی تا چندین ساعت در خیابانهای شهر با ماشینهای یگان ویژه و موتور سوار و گشت پیاده چرخ میزدند تا جلو تجمعات احتمالی دیگر را بگیرند. بویژه میدان انقلاب و خیابان سیروس، خیابان شاهپور، خیابان فردوسی و چهارباغ چهره ای کاملاً نظامی به خود گرفته بود. کمیته کردستان حزب کمونیست

از صفحه ۷ اخبار و گزارشات ۸ مارس ...

ممنوعیت کار کودکان و محاکمه کسانی که اقدام به استخدام و به کار گماردن کودکان می کنند.

۱۴- محکوم کردن جنگ افروزی و مسابقه تسلیحاتی، تحریم های اقتصادی ناشی از رقابت های سرمایه داری، که به طور قطع بیشترین زیان های آن متوجه طبقه کارگر و توده های تحت ستم مردم می شود.

زنده باد ۸ مارس،

روز جهانی زن

برقرار باد آزادی و برابری

کمیته هماهنگی برای کمک به

ایجاد تشکل های کارگری

۱۴/۱۲/۹۱

بیانیه روز جهانی زن (۸ مارس ۲۰۱۳ برابر با ۱۸ اسفند ۱۳۹۱) انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

زنان نیمی از جمعیت جامعه هستند که در نظام سرمایه داری به عنوان شهروندان دسته دوم شناخته می شوند. این جمعیت عظیم که خود سهم برابری در سوخت و ساز جامعه با مردان دارند اما از نظر رعایت حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در رده دوم قرار می گیرند. این خواست سرمایه داری است تا بتواند نیمی از نیروی کار مورد نیاز را راحت تر در اختیار گیرد و بیشتر استثمارش کند. نابرابری زن و مرد حاصل و جزء لاینفک نظام سرمایه داری است و تا این نظام در جامعه حاکم باشد نابرابری نیز ادامه خواهد داشت. اما این کل تصویر از موقعیت زن فرو دست در شرایط حاکم موجود نیست. مبارزات زنان

اجازه مرد حق رفتن به مسافرت را ندارد. و اینها همه گوشه هایی از

تعدی نظام مرد سالاری سرمایه داری به حقوق زنان است. اما در مقابل، زنان ساکت ننشسته و به تمکین کشانده نشده اند. مبارزات و اعتراضات زنان ایران امروز زیانزد در سراسر دنیا است. مبارزاتی که تحت شدیدترین و سخت ترین شرایط سیاسی برای اعاده حقوق از دست رفته در جریان بوده و هست و آنی باز نایستاده، ده ها فعال به دنیا معرفی نموده و کلی تجربه و آموزه علی رغم داشتن هر گونه تشکل و سازمان به رسمیت شناخته شده ای، به جهان ارائه کرده است. زنان برای ایجاد تشکلهای خود مبارزه کرده و در این راه تاوانهای بسیاری داده اند. همین امروز فعالینی در زندان دارند و این فعالین از حقوق خود و دیگر هم سرنوشتیانشان دفاع می کنند.

اما مبارزه زنان بر خلاف تصورات تنگ نظرانه یک مبارزه صنفی نیست بلکه همانگونه که ستم بر زنان ستمی طبقاتی است مبارزه اش هم مبارزه ای طبقاتیست. مبارزه زنان نه مبارزه ای علیه مردان بلکه علیه نظام مردسالاری است. مبارزه علیه نظامیست که اکثریت عظیم جامعه را به استثمار کشیده است و در این میان این زنان هستند که بیشترین ستمها را تحمل می کنند. بخش اعظم مبارزات زنان اقتصادی و علیه استثمار است همانگونه که طبقه کارگر علیه استثمار سرمایه داری دست به مبارزه می زند، زنان نیز در این امر شریک هستند. به همین خاطر مبارزه زنان و کارگران جدا از هم نیستند و این دو متحد و هم رزم هستند و بی دلیل نیست که در قطعنامه ها و بیانیه هایشان از مبارزات یکدیگر حمایت و

از صفحه ۸ اطلاعیه های کمیته کردستان ...

کارگری به فعالین هشت مارس، به فعالین کارگری و زنان و جوانان که تلاش کردند به مناسبت روز جهانی زن اعتراض خود را به بیحقوقی زن اعلام کنند، درود می فرستد. روز پنجشنبه مراسم برگزار نشد اما حضور زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب نشان داد که مردم به هیچ قیمت کوتاه نخواهند آمد. حضور گسترده اوپاش حکومت اسلامی در روز ۱۷ اسفند در سنج برای ممانعت از برگزاری مراسم روز جهانی زن، اراده مردمی را نشان می دهد که به چیزی کمتر از آزادی و برابری و به کمتر از تحقق یک زندگی انسانی رضایت نخواهند داد. جنایتکاران حکومت در سنج با زور اسلحه و یگانهای ویژه شان با تمام قدرت تلاش کردند مانع از برگزاری این مراسم شوند، اما باز هم فهمیدند که با جامعه ای مصمم در دفاع از حقوق انسانی خود طرفند که حاضر به کوتاه آمدن نیست.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ اسفند ۹۱ ۸ مارس ۲۰۱۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ اسفند ۹۱ ۸ مارس ۲۰۱۳



زنده باد ۸ مارس انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

پشتیبانی می کنند. این اتحاد بین زنان و طبقه کارگر باید هر چه بیشتر عمق و گسترش یابد.

تجمع بستگان فعالین کارگری بازداشتی سنج در مقابل اداره اطلاعات

خانواده ها پاسخهای متناقضی داده اند. به طور مثال به یکی از خانواده ها گفته شد که تا یک هفته دیگر پرونده آنها را جمع می کنیم و به دادگاه می فرستیم. در صورتی که به خانواده دیگری گفته بودند که در اینجا تجمع نکنید و بروید سه هفته دیگر مراجعه کنید. همچنین روز ۲۰ اسفند در پی

به گزارش رسیده، خانواده های ۵ عضو بازداشتی کمیته هماهنگی در سنج، در روزهای شنبه ۱۹ اسفند و یکشنبه ۲۰ اسفند در مقابل اداره اطلاعات شهر سنج تجمع نموده و ضمن پیگیری وضعیت عزیزانشان خواهان آزادی آنان شدند. بنا بر این گزارش مامورین اطلاعات روز شنبه به

خواهان آزادی فوری افراد بازداشتی شده و اعلام کرده اند که تا آزادی افراد بازداشتی به این تجمع ها ادامه خواهند داد. اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به نام های وفا قادری، سید خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد با هجوم مامورین اطلاعات به منازل و محل های کارشان در روز پنج شنبه ۱۷

اسفند بازداشت شده و تاکنون از وضعیت و اتهامات وارده به آنها اطلاعی در دست نیست. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط ۵ عضو بازداشتی خود در سنج و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین دربند و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته هماهنگی

از صفحه ۱ نگاه‌ها به وضعیت زنان ...



زنان یا دختران به آن حد از آس و بس بست می‌رسند که نهایتاً اقدام به گرفتن جان خود می‌شوند؟

فریبا رشیدی: بسیاری از مردم با تلاش‌های شبانه‌روزی خانواده‌ها قادر به تامین مایحتاج اولیه زندگی خود نیستند. فقر کمر شکن است و بیشترین تامین فشار زندگی بر دوش زنان قرار دارد. با اینحال زنان استقلال اقتصادی ندارند و اگر زنی ناچار به طلاق باشد قوانین حاکم بر جامعه نه تنها از او حمایت نمی‌کند بلکه از نظر مالی نیز هیچگونه امکاناتی برای تامین زندگی اقتصادی اش وجود ندارد. به همین خاطر بسیاری از زنان مجبور هستند به این مشکلات و تبعیضات گردن نهند و عمدتاً به همین دلیل از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در مسائل مربوط به زندگی فردی و خانوادگی تماماً یا تا حد قابل ملاحظه‌ای محروم هستند. سنت‌ها، قوانین و نگرش مردسالارانه به زنان آنان را به موقعیت فرو دست رانده و در مورد حق انتخاب همسر، طلاق، حرزانت فرزندان، سفر، انتخاب پوشش و تحصیل، خلاصه هر نوع آزادی را از زنان و دختران سلب کرده است. اعمالی چون سنگسار و شلاق زدن و مجازات از سوی حکومت مذهبی و تنبیهات بدنی از طرف مردان خانواده همواره جسم و روان زن را در ترس و واهمه نگه داشته و آنان را از خلاقیت و شکوفایی استعدادها و توانایی‌هایشان باز داشته است و این مسایل باعث می‌شود که زنان قدرت تصمیم‌گیری درستی را نداشته باشند و خودکشی، خودسوزی و دیگر راه‌های گرفتن جان خود را بعنوان راه نجات خود از فشارها و تبعیضات می‌دانند که اخیراً آمار خودکشی و خودسوزی در شهرهای کردستان اخبار بسیار تکانه‌دهنده‌ای بوده است. تنها دو روز قبل از ۸ مارس روز جهانی زن یک دختر ۱۴ ساله به نام "پریا رحمتی" به دلیل مشکلات خانوادگی و معیشتی در مرابون دست به خودسوزی زد. این دختر جوان بعد از خودسوزی به دلیل شدت سوختگی به بیمارستان شهر سنجند منتقل گردید که حال وی وخیم گزارش شده است. مورد دیگر اینکه در روز هشتم مارس در شهر

مریوان زنی به دست پدر خود به قتل می‌رسد. در خبر دیگری در روز هشتم مارس زنی در شهرستان سروآباد از توابع مریوان و در روستای هزار خانی زنی سی ساله به نام زعفران محمدی صاحب ۵ فرزند در پی طلاق از شوهر خود به دست پدر کشته شده است لازم به ذکر است که در این خبر گذاری به خفه نمودن اشاره کرده است. اینها نمونه‌هایی است که هر روز در گوشه و کنار شهر و روستاهای کردستان اتفاق می‌افتد. در پاسخ به بخش دوم سوال شما باید بگویم به نظر من مسبب اصلی خودکشی زنان در کردستان و حتی در سراسر ایران، ناشی از وجود قوانین و سیستم مذهبی اسلامی حاکم بر جامعه است. اثرات و بازتاب قوانین و سنتهای عقب مانده ای که در نظام ضد زن جمهوری اسلامی جاری است، یعنی بی حقوقی زنان در تمام شئون زندگی، یعنی فقر و نداری و صدها درد و معضل دیگر اجتماعی. وقتی فقر و نداری بیدار می‌کند، وقتی که تامین اقتصادی وجود ندارد و سنن و فرهنگ ضد زن توسط حکومت به قانون تبدیل شده و جار زده می‌شود و فقر شدید در مناطق کردستان علی‌الخصوص روستاها که بیشترین فقر دامنگیر آنان شده است، زندگی مشقت‌باری را به زنان کردستان تحمیل کرده است.

ایسکرا: قتل‌های ناموسی هم یکی از آن دردهای اجتماعی است که زنان و دختران در خانواده با آن دست به گریبان هستند که شما به مواردی از آن اشاره کردید، اما خودکشی و خودسوزی محسوب نمی‌شود. قتل‌های ناموسی بر سر چه مسائلی اتفاق می‌افتند؟

فریبا رشیدی: همانطور که گفتیم بعلا وجود قوانین و سنت‌های دینی و مذهبی و ارتجاعی که بخش مهمی از ساختار حکومت اسلامی است قتل و خشونت‌های ناموسی نیز بازتابی از این قوانین است هر نوع قتل و خشونت بر علیه زنان از طرف همسر، پدر، برادر و مسئله بکارت دختران، ازدواج اجباری، ارتباط خارج از عرف رابطه زناشویی، می‌تواند دلایلی برای قتل‌های ناموسی

باشد. وقتی مرد بر اساس قوانین حاکم خود را صاحب و مالک زن میدانند و زن را به دید جنسی و کالایی نگاه می‌کند و خود را مالکیت و صاحب بلامنازع و مطلق زن می‌داند و می‌خواهد زن را با دید شرف و ناموس نگاه کند نه بعنوان شریک زندگی و یک انسان، این را دستاویزی می‌شود که حتماً باید شرف و ناموسش محفوظ باشد. در سیستم موجود و سنتهای عقب مانده‌ای که بخشی از هویت نظام حاکم است، زن حق انتخاب آزادانه در انتخاب شوهر، حق سفر، انتخاب پوشش، نگهداری از فرزندان ندارد. فرودستی زن در نظام اسلامی فراتر از محسوب کردن او بعنوان جنس درجه دوم است. بی حقوقی و بردگی مطلق آنچه‌ی است که این قوانین بر زنان تحمیل کرده است. بروز قتل‌های ناموسی را باید بر بستر تمامی بی حقوقی‌ها توسط قوانین حکومت اسلامی و باز گذاشتن دست مردها در اجرای قتل‌های ناموسی برشمرد. این را هم باید اضافه کرد که در مقابل این همه ضدیت علیه زنان، مبارزه و تلاش برای برون رفت از وضع موجود توسط جنبش زنان بقدمت حکومت اسلامی است. زنان هیچگاه ساکت ننشسته‌اند و امروز ما با جنبشی قوی علیه مذهب و قوانین منبث از آن روبرو هستیم که باید هر چه بیشتر این جنبش را تقویت کرد. در هیچ کجای دنیا به اندازه جامعه ایران ما شاهد ضدیت کل جامعه بویژه ضدیت زنان با مذهب و قوانین و سنتهای اسلامی نیستیم.

یکی دیگر از عواملی که بطور روزمره نقس بسیار مخربی در زندگی زنان ایفا می‌کنند، مراکز قانونگذاری دولتی هستند که خود بهتر می‌دانید. این نهادها در حل اختلافات خانوادگی میان زن و مرد ناعادلانه و ظالمانه به قضاوت می‌نشینند. به عنوان نمونه در امر

طلاق حق حضانت را به مرد می‌دهند و این شاید بزرگترین ضربه‌ای است که به یک مادر وارد می‌شود. یک زن جوان که دارای یک یا دو فرزند خرد سال است در صورت طلاق گرفتن از همسر خود از حق مادر بودن محروم می‌گردد چرا که قانون در جمهوری اسلامی اوج بی‌عدالتی را در مساله حق حضانت اینگونه تعریف کرده است. شخصاً بعنوان یکی از قربانیان قوانین ضد زن اسلامی، فرزندم را از سه سالگی از من گرفتند و تا به امروز که بیش از ۸ سال می‌گذرد او را حتی یک بار هم ندیده‌ام. بنابراین زن جوانی که از سوی همسر تحت شدیدترین شکنجه‌های روحی روانی و گاهی جسمی مناسبات خانوادگی و حمایت‌های قوانین حاکم قرار می‌گیرد شرایط زندگی را صد چندان برای زنان سخت کرده است. این عوامل و شرایط سبب می‌شود زنی را که هیچگونه حامی ندارند و در ضعف و ناتوانی قرار می‌گیرند، پایان دادن به زندگی خود را بعنوان راه علاج برگزینند. اما راه حل خودکشی و خاتمه دادن به زندگی خود نیست. این همان چیزی است که قوانین اسلامی و سنت و فرهنگ عقب مانده و مردسالارانه دوست دارند رخ دهد. راه حل مبارزه برای پایان دادن به این تباهی و سیه روزی است نه خودکشی.

ایسکرا: شما دلیل و بانی اصلی خودکشی، خودسوزی و قتل‌های ناموسی را در چه میدانید؟ مقصر کیست و راه حل این معضل اجتماعی چه میتواند باشد؟

فریبا رشیدی: قوانین کپک زده اسلامی و سیستم سرمایه داری و همچنین قوانین دفاع این قوانین و حکومت از مردسالاری، از بانایان اصلی خودکشی، خودسوزی و همچنین قتل‌های ناموسی در بین

زنان در کردستان می‌باشد. در سال جاری آمار گزارشات قتل‌های ناموسی در ایران و کردستان افزایش یافته است اما از آنجا که سنت و آداب و رسوم کهنه پرستی و مذهبی در کردستان باعث شده که قتل‌های ناموسی و خودکشی رواج بیشتری پیدا کند، متأسفانه با تجربه‌ای که به دست آمده کسانی که به مرتکب این جرم میشوند و این فرهنگ کهنه و مرتجعانه را اجراء می‌کنند قانون حاکم در آن جامعه با آنها هیچ کاری ندارد و حتی هم مورد حمایت این قوانین ضد زن و ضد انسانی قرار می‌گیرند و در نتیجه این افکار کهنه پرستی و ضایع در این فرهنگ تداوم پیدا کرده و فعلاً دارد به حیات خود ادامه می‌دهد و مرتکب شوندگان قتل‌های ناموسی با حکمی سبک تیره میشوند. در این میان هیچ حمایتی از زنانی که به قتل رسیده‌اند یا مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند نمی‌شود. راه حل این معضل و قوانین ضد زن را باید از میان برداشت، باید دست مذهب و مردسالاری را از جامعه کوتاه کرد و باید علیه این قوانین ضد زن جنگید، جامعه‌ای که در آن زن آزاد نباشد جامعه برابر نیست. انگیزه اصلی برای قتل‌های ناموسی همانطوریکه قبلاً اشاره کردم بدواً وجود حکومت اسلامی و قوانین عصر حجر و ارتجاعی می‌باشد.

بدون شك در جریان سرنگونی رژیم اسلامی که حامی این همه بی حقوقی علیه زنان است، برای پایان دادن به بساط بیش از سه دهه از فرودستی، زنان نقش مهم و کارساز ایفا خواهند کرد.*

.....





ادامه سخنرانی جمال چراغ ویسی:

اما غالباً وقتی کارفرمایی میخواهد ساعات کار را طولانی و یا دستمزد را کم کند ما با عجله مجمع میگیریم و از آنجا که نمی توانیم مسئله را خوب بررسی کنیم و ارزیابی مشخصی بکنیم و تصمیم قاطع بگیریم، حرف هایمان می ماند و نمی توانیم حقوقمان را بگیریم. البته مجمع عمومی تنها مختص کارخانه ها و کارگاه های بزرگ نیست، ما حتی در کارگاه های کوچک می توانیم مجمع بگیریم. در کارگاه های کوچک مجمع می تواند شکل مشخصی از متحد بودن کارگران باشد. به چه شیوه ای؟ وقتی شهر خودمان سنندج را می بینیم، در خیابانها و کوچه های آن صدها کارگاه خصوصی کوچک وجود دارد، از مکانیکی و جوشکاری و نجاری گرفته تا صاف کاری و نقاشی و سایر رشته های دیگر این کارگاه ها ساعات کار مشخصی ندارند و از امکانات زیستی، بهداشتی برخوردار نیستند. دستمزدها در آنها پایین است، قانون کاری که در این کارگاهها حاکم است قانون کاری است که کارفرما خود تعیین کرده است و نه حتی قانون کار و اداره کار و از قانون کار ما کارگران در این کارگاهها خبری نیست. کارفرما به شیوه ای که برایش سازگار باشد و به نفعش باشد عمل می کند، کاری به این ندارند که من چگونه زندگی میکنم، اگر ما کارگران، کارگران کارگاههای خصوصی بتوانیم بدور هم جمع شویم و مسائلمان را بازگو کنیم و مشکلاتمان را بیان کنیم و تشکلی بنام سندیکا، اتحادیه، دفتر نمایندگی و یا هر مراسم دیگری بوجود آوریم، این در واقع همان چیزی است که اکنون به نفع ماست و معضل ما کارگران را میتوانستند جوابگو باشد. ما باید در جاهایی دور هم جمع شویم و با هم بحث و گفتگو کنیم و مسائلمان را مطرح

جنبش اول ماه مه در کردستان تهیه و گرد آورنده نشان نودینیان / بخش چهاردهم

آمده است ما هم انسان هستیم و قدردانی از انسان ضروری است. ما میخواهیم زندگی بهتری داشته باشیم پس باید مطالباتمان را بگوئیم، و تصمیم بگیریم و پیش برویم. ولی اگر نتوانیم در محلات کارگران را جمع کنیم و با هم از مسائلمان سخن بگوئیم، و تصمیم بگیریم، نه تنها نمی توانیم برای محلات محلاتمان کاری کنیم بلکه خیلی از حرکتهایمان هم ناقص و ناتمام و دون نتیجه و بی جواب می ماند. برای نمونه ما برای تشکیل مجمع عمومی در محله ها می توانیم با درست کردن صندوقهای تعاون مالی آن مجامع را بوجود آوریم و آن ارتباط صمیمی و نزدیک را با هم ایجاد کنیم. ببینید، همه ما میدانیم و این واقعیتی است که ما تنها با فروش نیروی کارمان زندگی می کنیم. تصور کنید روزی ما بنا به هر دلیلی مثلاً بدلیل مرضی، پیری یا اتفاق و سانحه ای که در محل کار و یا هر جای دیگری دچار می شویم، نتوانیم سرکار برویم و نتوانیم پولی را هم قرض کنیم در آنصورت باید از گرسنگی بمیریم و جان خود را از دست بدهیم. به این خاطر که در هیچ جایی اعتبار نداریم، کارفرما تا زمانی ما را می خواهد که به ما احتیاج داشته باشد. رفقای دیگرمان هم نمی توانند به تنهایی به ما کمک کنند چون اگر وضعشان بدتر از ما نباشد، بهتر از ما نیستند. و آنها نیز دست بگیریم ستم و استثمار هستند، بنابراین راه چاره چیست؟ ما می توانیم با جمع کردن پولهای مختصرمان بطور ماهانه و یا مدت زمانهای دیگری پول جمع کنیم و در مواقع ضروری که مورد نیاز است از آن استفاده کنیم. می توانیم به خانواده های نادر و بی بضاعت و آنهایکه بیکارند کمک بکنیم. بیکاری از ما زهر چشم گرفته است و اگر کارفرمایی بما توهین کند، مجبوریم تحمل کنیم تا که اخراج نشویم و این دیگر احتیاج به توضیح ندارد. اکنون کارگر بیکار بی حد زیاد است و هر لحظه امکان دارد که کسانی که سر کارند تک تک بیکار شوند. ما اگر نتوانیم مقداری پول برای خودمان پس انداز کنیم در آن

صورت میتوانیم با مقداری از این پول به رفقای بیکار و خانواده های نادر و بی بضاعت کمک کنیم و اگر رفیقی در سانحه ای دستش شکست و یا پایش شکست کمکش کنیم. می بینید که تعداد زیادی از ما بی سوادند، دلیلش طولانی بودن ساعات کار است. اگر ما بتوانیم در هفته یکی دو روز و یا هر وقت توانستیم رفقائی را که سواد ندارند، با سواد کنیم و اگر سواد داریم مطالعه کنیم بهتر اوضاع را می شناسیم. ما می توانیم تعاونی کار بوجود آوریم، تعاونی کاری که مشکلات ما را حل بکند مثلاً اگر من نجار هستم و رفیقم احتیاج به نجار دارد، کارش را با دلسوزی و با کیفیت بهتری انجام دهم و با دستمزدی کمتر از بازار کارش را تمام کنم و یا اگر آن رفیق نجار بود و من احتیاج به نجار داشتم کمکم کند. میتوانیم تعاونی های مصرف بوجود آوریم، تعاونی مصرفی که بتواند حداقل مشکلاتمان را حل کند. ما احتیاج زندگیمان را به قیمت ارزان و رسمی و به نرخ دولتی در اختیارمان بگذارد. در مورد بیمه بیکاری هم کمی صحبت کنم. بیمه بیکاری عبارت است از حقوقی که ماهانه از طرف اداره کار به کارگرانی که بیکار میشوند و یا اخراج میگردند پرداخت می گردد. حق گرفتن بیمه بیکاری باید بتواند از اخراج کارگران بوسیله کارفرمایان جلوگیری کند. اکنون ببینیم چگونه است؟ طبق آمار سال ۱۳۶۷ که آمار رسمی است، از اول فروردین ماه ۶۶ تا آخر بهمن ماه ۶۷ که ۲۳ ماه میشود، ده هزار نفر توانسته اند از بیمه بیکاری استفاده کنند. آیا واقعا فقط ۱۰ هزار نفر بیکار داریم؟ خیر! واقعیت غیر از این است. این نشان میدهد که ۱۰ هزار نفر از حق بیمه میتوانند استفاده کنند. چرا؟ بخاطر اینکه آنها در کارگاههایی هستند که مجوز کار دارند و بیمه هستند و شناسنامه کار دارند و به این خاطر از حق بیمه استفاده میکنند اما کارگر کشاورزی، فصلی، ساختمانی و کارگری که در کوره پزخانه ها کار می کنند و کارگری که در قالیبافی کار می کند از حق بیمه محرومند. حق بیمه بیکاری که ماهانه پرداخت میشود چیزی نیست که با رعد و برق آسمان و یا زلزله آمده

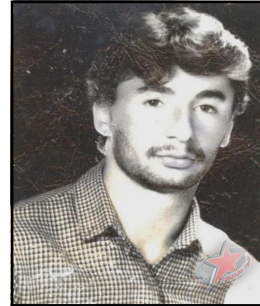
باشد بلکه چیزی است که ماهانه از حق بیمه پرداخت می کنند. متوجه شده اند که از اول سال ۶۶ به این طرف ماهانه ۶۰ الی ۷۰ تومان از دستمزدهایشان کسر میشود و این مبلغ بر اعتبار بیمه بیکاری افزوده میشود پس در واقع اداره کار و بیمه اجتماعی و مسئولین مربوطه حالت بانک بخود گرفته اند و ماهانه مقدار پولی را از کارگران شاغل جمع می کنند تا اگر رفیقی بیکار شد و یا اخراج گشت، کمکش کنند، آن هم طبق شرایطی که به آن اشاره شد خواست ما کارگران در مقابل بیمه بیکاری این است که بیمه بیکاری به تمام کارگران بیکار و به تمام کسانی که آماده کارند و سن آنها بالاتر از ۱۸ سال است، داده شود. بیمه بیکاری باید شامل تمام کارگران خدماتی، کشاورزی صنعتی، کارگران ساختمانی، فصلی و موقتی کارگران کوره پزخانه و قالی بافی باشد و شامل تمام کسانی شود که برای تامین زندگیشان نیروی کار خود را به فروش می رسانند. برای تامین بیمه بیکاری ماهانه از دستمزدهایشان کسر نگردد. بیمه بیکاری فعلی بر مبنای حداقل دستمزد یعنی ۸۳ تومان پرداخت میگردد و بدون استفاده از مزایا و بن کارگری و میدانیم ۸۳ تومان فقط پول ۱۵۰ گرم روغن است. در صورتیکه بیمه بیکاری باید بتواند رفاه خانواده ۵ نفره را تامین کند و متناسب با نرخ تورمی باشد که در بازار وجود دارد. اشاره به بن کالاها کردیم، بن کالا از سال ۱۳۶۵ به بعد داده میشود و قرار بر این بود که به این وسیله سطح معیشت کارگران بالا برود. قرار بر این بود دولت کالاهای اساسی و مایحتاج عمومی مثل برنج، قند و چیزهای اساسی و ضروریمان را بما بدهد و در مقابل آنها پول دریافت نکند. در مراحل اول این عملی شد اما بعد چه شد؟! بجای روغن و برنج خمیر و مسواک دادند! چرا اینطور شد؟ برای اینکه گویا کارفرمایان ناراحت می شوند چون حقوق زیاد پرداخت میکنند و این حقوق اضافی بما داده میشود! آیا واقعا اینطور است؟ آیا واقعا ماهی ۳۰۰، ۴۰۰ تومان یا ۷۰۰ تومانی که تازگیها می دهند، بخشی از دستمزدها را با ساعات

از صفحه ۱۱ جنبش اول ماه مه در کردستان...

کار طولانی و کاهش ایمنی محیط کارمان و به صدها طریق دیگر از ما بازپس می گیرند، و نه تنها آن ۷۰۰ تومانی را بلکه خیلی بیشتر از آن را از ما پس می گیرند و این عادت و قانون آنها است. خواست ما کارگران در مقابل بن کالاها این است که خارج از این که بن ها کی اعلام میشود و کی کالاهایش آورده میشود. مثلاً بن فروردین ۶۷ در سه ماهه سوم و بن سه ماه سوم و چهارم در فروردین امسال داده شد و بن امسال هم معلوم نیست کی داده خواهد شد بن ها سر وعده و بموقع پرداخت کردند و مبلغ آن بر دستمزدمان اضافه شود و کالاهای اساسی که بتوانند مایحتاج زندگی مان را تامین کنند، در اختیارمان قرار گیرند.

در آخر تنها این را می گویم که ما در اینجا حرفهایمان را می زنیم و برخی خواستهایمان مطرح میشود، اما هدف تنها گفتن و حرف زدن نیست، بلکه عمل کردن است و مبارزه برای دستیابی به خواستهایمان، و در این راه اگر تشکلی نداریم از همین امروز دست در دست هم بگذاریم و تشکل بوجود آوریم و اگر صندوق نداریم، آنرا بوجود آوریم. زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر؛ تشویق و کف زدن

بیاد "جمال چرام" ویسی "شعری از سیاوش مدرسی - یاور



من کارگرم
سیاه،
زرد،
سفید،
فرقی نمی کند،
در آنسوی رود "آمازون" زاده شدم
در "شیکاگو" تاراج کارم را مهار
زدم
پرچم هستیم را بر بلندی "مون
مارت" ۱ «به اهتزاز در آوردم
و "قصر زمستانی" ۲»
از خروش وحدتم لرزید.
دستم سیاه است،
رخسارم زرد
و قلبم
سپید سپید،

پرچم سرخ است.
من کارگرم
کارخانه سرزمین من است.
در "ربریز" یا "میلان"
در "ستول" یا "پاریس"
فرقی نمی کند.
در هر جای جهان که باشد،
جهان سیاره ایست خرد
که گرد خورشید کار من می
گردد.

دستهای سیاه و زرد و سفیدمان
ساقه های بهم تنیده ایست
بافته ای از رنج و تاراج و
رهایی.....
دستهای ما کماح تاراج را
میگوید

و تارک انسان را با تاج زیتون
آزادی،
آذین میکند
من کارگرم
کارخانه سرزمین من است
در "ربریز" یا "میلان"
در "ستول" یا "پاریس"
فرقی نمی کند.
در هر جای جهان که باشد.

«۱» «مون مارت؛ تپه ای در
وسط شهر پاریس، قیام کموناردها از
این تپه آغاز شد.
«۲» «قصر زمستانی؛ کارگران
روسیه با فتح این قصر حکومت
کارگری اکتبر را پایه ریزی کردند.
پایان

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsniff code : BÖFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com



افزایش دستمزدها و بر خور داری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست!

با افزایش بسیار ناچیز فقط ۲۵ درصدی حداقل مزد و ۱۹۸۵ تومان بعلاوه ۱۰ درصد افزایش سایر سطوح مزدی، تحمیل فقر و گرسنگی فاجعه باری بر میلیونها خانواده کارگری در شورایعالی کار دولت جمهوری اسلامی رقم خورد. نماینده های سر سپرده کارگری، نماینده های کارفرمایان و کسان دیگری که در شورایعالی کار به عنوان نماینده های دولت با حقوقهای چندین میلیون تومانی حاصل از غارت و چپاول ما کارگران بر کرسیهای تعیین حق بقا و زندگی

در سراسر کشور با تصمیمی که در شورایعالی کار در مورد میزان حداقل مزدشان اتخاذ شده است در اعتراضاتی گسترده به میدان خواهند آمد و لحظه ای در دفاع از حق حیات خود درنگ نخواهند کرد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۱ اسفند ۱۳۹۱

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!